

سلفی با مرگ در لایو اینستاگرام

زن جوان که شوهرش ۱۰روز او را در خانه رها کرده بود با گرفتن لایو اینستاگرام مرگ غم‌انگیز خودش را به صورت زنده به نمایش گذاشت.
به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۱۴ روز شنبه ۲۰مردادماه امسال زن جوانی با گرفتن لایو اینستاگرام مرگ غم‌انگیز خود را به صورت زنده برای شوهرش پخش کرد. شوهر این زن که به صورت زنده شاهد مرگ همسرش بود هر چقدر تلاش کرد، او را از مرگ خودخواسته منصرف کند فایده‌ای نداشت و زن ۳۰ساله در نهایت با نوشیدن شربت مسمومی به کام مرگ رفت. مرد جوان با دیدن این صحنه به سرعت راهی خانه‌اش شد و با جسد بی‌جان همسرش روبه‌رو شد. پس از این حادثه تیمی از مأموران کلانتری ۱۲۳ نیاوران در محل حاضر شدند و قاضی منافی آذر، باز پرس ویژه قتل را از ماجرا با خبر کردند. بدین ترتیب باز پرس همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی در محل حادثه تحقیقات خود را آغاز کردند.

در بررسی‌های بعدی مأموران لیوانی نزدیکی جسد کشف کردند که حکایت از این داشت وی ساعتی قبل مایع مسموم داخل آن را نوشیده است. مأموران دریافتند زن فوت شده از مدتی قبل با شوهرش اختلاف داشته‌است به طوری‌که ۱۰روز قبل شوهر از خانه قهر کرده و او را تنها گذاشته و ساعت حادثه هم وی در خانه‌اش تنها بوده است. تیم جنایی در نخستین گام از شوهر تحقیق کردند. وی گفت: من و همسرم مدتی بود باهم اختلاف داشتیم. به همین دلیل ۱۰روز قبل از خانه بیرون رفتم و او را تنها گذاشتم. فکر کردم تنهایی برای هر دوی ما بهتر است و راحت‌تر می‌توانیم تصمیم درست‌تری برای زندگی‌مان بگیریم. ساعتی قبل وقتی شبکه اجتماعی اینستاگرام تلفن همراهم را باز کردم، دیدم همسرم در حال گرفتن لایو اینستاگرام است. در حالی که لیوان پر از شربتی در کنارش بود. گفت با شوهرم اختلاف دارم و به خاطر اینکه ۱۰روز است او مرا رها کرده فاجعه دارم شربت مسموم را بخورم و به زندگی‌ام پایان دهم. وقتی فهمیدم تصمیمش جدی است بلافاصله از همان طریق لایو اینستاگرام به او گفتم که این کار را انجام ندهد و من به خانه می‌روم، اما او لیوان شربت مسموم را سر کشید و لایو اینستاگرامش را پایان داد. به سرعت خودم را به خانه‌مان رساندم و با جسد بی‌جان او روبه‌رو شدم. همزمان با ادامه تحقیقات درباره‌این حادثه جسد زن فوت شده به دستور قاضی منافی آذر برای انجام آزمایش‌های لازم به پزشکی قانونی منتقل شد.

بازگشت دوباره پلیس قلبی به زندان



مجرم سابقه داری که پس از ۱۰سال حبس از زندان آزاد شده‌بود دوباره با تشکیل باند پلیس‌های قلبی دست به آدم‌ربایی واخادی می‌دهد دام افتاد.
به گزارش خبرنگار ما، چند روز قبل دو پسر جوان به اداره پلیس رفتند و از دو مرد مأمور نما به اتهام آدم‌ربایی و سرقت اموالشان شکایت کردند.

یکی از شاکیان که پسر ۱۹ساله‌ای بود، گفت: من و دوستم شهرستانی هستیم و چند سالی است برای کار به تهران آمده‌ایم. ساعتی قبل پس از پایان کارمان برای تفریح به خیابان امدیم که خودروی پژو ۴۰۵ که دو مرد جوان سرشین آن بودند کنار ما ایستاده بودند توقف کرد. یکی از آنها کاری به ما نشان داد و گفت مأمور پلیس است. مرد جوان به من گفت که گزارش شده من در کار خرید و فروش موادمخدر هستم و برای بازرسی بدنی باز جوبی باید همراه آنها به اداره پلیس بروم. همچنین به دوستم گفت که گوشی‌اش سرقتی است و از او خواست سوار خودرو شود اما او گوشی‌اش را تحویل مرد مأمور نما داد و خودش به خانه‌شان رفت تا کارت ن‌گوشی‌اش را برای آنها بیاورد. من فکر کردم واقعاً آنها مأمور پلیس هستند و به همین خاطر اعتماد کردم و سوار خودروی آنها شدم، اما به آنها گفتم که من کارگر هستم و اشتباه گرفته‌اند که قبول نکردند و قرار شد در اداره پلیس بی‌گناهی من ثابت شود.

وی ادامه داد: وقتی خودروی آنها به راه افتاد ناگهان سرشنینی که کنار من بود جاقویی به پهلویم گذاشت و تهدید کرد همه اموالم را به آنها بدم. همان لحظه فهمیدم در دام پلیس‌های قلبی گرفتار شده‌ام، اما چاره‌ای نداشتم و ۲میلیون پول نقد به همراه سایلند متکیلی بانک مأموران قلبی می‌گذاشتم و ۴میلیون تومان پول داخل آن بود به آنها دادم و در نهایت دو مأمور قلبی پس از نیم‌ساعت مرا از داخل خودرو به بیرون انداختند و فرار کردند.

با طرح این شکایت تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی تهران به دستور قاضی سهرابی، با باز پرس شعبه نهم دادسرای امور جنایی تهران برای شناسایی متهمان وارد عمل شدند. مأموران در بررسی دوربین‌های مدار بسته محل حادثه یکی از متهمان را به نام رشید که دارای چندین سابقه کیفری بود شناسایی کردند. بدین ترتیب مأموران، رشید را دو روز قبل بازداشت کردند. وی در بازجویی‌ها به تشکیل باند مأموران قلبی اعتراف کرد و چهار همدست دیگر خود را به پلیس معرفی کرد.

وی گفت: من چندین بار به جرم اخاذی در پوشش مأمور قلبی به زندان رفتم. آخرین بار به ۱۰ اسال حبس محکوم شدم تا اینکه مدتی قبل زندانی‌ام پایان یافت و به همراه همسر که کاری نداشتم دوباره با پنج نفر از دوستانم باند مأموران قلبی را تشکیل دادم. ما معمولاً به صورت دو یا سه نفر با خودروی پژوی یکی از دوستان در خیابان‌ها دور می‌زدیم و طعمه‌های خود را به پنهان اینکه مواد می‌فروشد خفت و اخاذی یا زورگیری می‌کردیم. مأموران در ادامه دو نفر از همدستان متهم را بازداشت کردند. تحقیقات برای دستگیری سه نفر دیگر از اعضای این باند ادامه دارد.

فرمانده ناجا گفت: گروهک‌های ضدانقلاب و تروریستی هر موقع قصد تعرض به خاک‌های جمهوری اسلامی ایران را داشتند، مرزبانان با اقتدار با آنها برخورد کرده‌اند.
به گزارش خبرنگار ما، سردار «حسین اشتری» صبح دیروز در حاشیه دیدار با فرمانده مرزبانی عراق در جمع خبرنگاران با اشاره به اینکه در حال حاضر وضعیت امنیتی مطلوبی در مرزهای دو کشور حاکم است، گفت: در این دیدار صحبت‌هایی در خصوص موضوعات امنیتی در مرزهای دو کشور ایران و عراق و همچنین اشرف‌اف بر تحرکات گروه‌های تروریستی در جدار مرزی دو کشور انجام شد و پلیس عراق اعلام کرد که آماده ارتقای امنیت مرزهاست؛ همچنین ایران نیز آمادگی

دارد این امنیت را از تقا ببخشد. فرمانده ناجا افزود: البته تحرکاتی از طرف گروه‌های ضدانقلاب، اشراار و همچنین گروهک‌های تروریستی در مرزهای دو کشور رخ داده بود که با هوشیاری نیروهای دو طرف در همان مراحل اولیه خنثی و تروریست‌ها در رسیدگی به اهدافشان ناکام ماندند. سردار اشتری در پاسخ به سؤال خبرنگاری درباره اینکه با توجه به اتمام عملیات نظامی در کشور عراق و پیروزی آنها بر داعش و تلاش این کشور برای برقراری امنیت داخلی آن، آیا پلیس ایران آمادگی



مرزبانان با اقتدار مقابل تروریست‌ها ایستاده‌اند

همکاری‌های بیشتر به منظور تأمین امنیت داخلی کشور عراق را دارد یا خیر گفت: آمادگی داریم تجربیات‌مان را تبادل کرده و دوره‌های آموزشی بین پلیس ایران و پلیس عراق برگزار شود؛ پلیس جمهوری اسلامی ایران آمادگی خود را برای برگزاری دوره‌های تخصصی برای کارکنان پلیس عراق را در این دیدار اعلام کرد.

وی خاطرنشان کرد: در این دیدار درباره بیاذه‌روی اربعین حسینی هماهنگی‌های لازم صورت گرفت و امیدواریم بتوانیم امنیت را برقرار کنیم تا زائران در کمال امنیت

دست نمی‌یابند.

امیدواریم بتوانیم امنیت را برقرار کنیم تا زائران در کمال امنیت

سرقت‌های طلائی باکیسه سوراخ!

استفاده از کیسه سوراخ شیوه‌ای بود که زن فریبکار با همدستی دوستش در پوشش افراد نیکوکار، پیر زنان را فریب داده و طلائی آنها را سرقت می‌کردند. یکی از دو متهم که زنی ۲۷ساله به نام سولماز است بازداشت شد و تحقیقات برای دستگیری همدست وی در جریان است.
به گزارش خبرنگار ما، ۱۷دیدهبشت‌ماه امسال این پرونده به دستور باز پرس محترم شعبه دوم دادسرای ناحیه ۳۴ تهران روی میز کار آگاهان پایگاه ششم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت. زن سالخورده به مأموران پلیس گفت که دو زن جوان که سوار بر یک خودروی پژو ۲۰۶ بودند ۱۸حلقه انگوی طلائی‌اش را که ۴۰میلیون تومان قیمت داشته‌است از او سرقت کرده‌اند.

او در توضیح ماجرا گفت: ساعت ۱۵:۰۰ روز حادثه در حال عبور از خیابان اول نیروی هوایی یوسدم که یک خودروی پژو ۲۰۶سفید رنگ کنارم توقف کرد. درانده و سرشنسین خودرو دو زن جوان بودند که گفتند افراد

سوگند برای برائت از قتل شوهر

با این ادعا، نرسین ۳۲ساله بازداشت شد. او در محل بازجویی جرمش را انکار کرد، اما با اصرار اولیای دم، زن جوان روانه زندان شد. پرونده با صدور کیفرخواست کامل و به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. نرسین که با فرار وثیقه آزاد بود صبح دیروز در همان شعبه به ریاست قاضی قربانزاده پای میز محاکمه قرار گرفت.

ابتدای جلسه اولیای دم درخواست قصاص کردند سپس زن جوان در جایگاه ایستاد و بار دیگر جرمش را انکار کرد. با انکارهای متهم، هیئت قضایی طبق ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی (هرگاه تنها دلیل مثبت وقوع جرم تعزیری و شناسایی هویت متهم، سوگند شاکی باشد ولی متهم منکر آن گردد، این جرم با سوگند قابل انتساب نخواهد بود.) از او خواست تا در جایگاه سوگند بخورد که در قتل شوهرش نقشی نداشته است. سپس متهم بعد از ادای سوگند گفت: «سه سال از ازدواج من و جواد می‌گذشت تا اینکه به بیماری فیبرومیالژیا که یک سندروم دردناک اسکلتی است مبتلا شدم. یک هفته قبل از حادثه در بیمارستان بستری شد و در این مدت ساعت‌ها مراقب شوهرم بودم و آزمایش‌های متعددی را بین بیمارستان‌ها جابه‌جا می‌کردم. صبح روز حادثه جواد از بیمارستان مرخص شد.»

زن جوان ادامه داد: «جواد در منزل استراحت می‌کرد و قرار شد فردای آن روز پدر و مادرش از شهرستان به دیدن او بیایند. من برای جواد غذا درست کردم و مراقبتش بودم تا اینکه بعد از شام او بی‌قرار شد و به پنهان‌های مختلف به پارکینگ می‌رفت. کمی او را آرام کردم تا اینکه خوابش برد و من هم از خستگی خوابم برد. نیمه‌های شب بود که از خواب بلند شدم و متوجه شدم جواد نیست. دنبالش گشتم و او سر ایستاد سراغش را گرفتم تا اینکه دیدم در گوشه حیاط بی‌هوش و خون‌آلود روی زمین افتاده است.»

زن جوان در حالیکه گریه می‌کرد، گفت: «من و جواد رابطه خوبی داشتیم و با هم در دفتر دارالترجمه خواهرش کار می‌کردیم که بعد از او نتوانستم کارم را ادامه دهم. او همیشه دست‌ان را می‌وسید و به خاطر زحماتی که در زندگی می‌کشیدم از من قدر دانی می‌کرد. بعد از فوت شوهرم، از آنجائیکه خانواده‌او وضع مالی خوبی داشتند مهریه‌ام را که ۱۱۰سکه بود طلب کردم. همین باعث شد تا خانواده‌او بر علیه من شکایت کنند. اتفاقاً فقط ۵۰میلیونی که بابت رهن خانه به صاحبخانه پرداخت کرده بودیم را دادند.»

در پایان هیئت قضایی وارد شور شد.

صبح دیروز روی میز هیئت قضایی به ریاست قاضی توکلی قرار گرفت. ابتدای جلسه، بعد از قرائت کیفرخواست از سوی نماینده دادستان مادر مقتول در حالی که اشک می‌ریخت، گفت: «بسررم سه سال در خانه قطع نخاع و زمینگیر شده بود. او نمی‌توانست کاری انجام دهد. هر بته‌های درم‌ان‌ش را به سختی پرداخت می‌کردم، اما در این سه‌سال سعید و خانواده‌اش حتی یکبار به دیدن پسرم نیامدند و حالی نپرسیدند. پسرم در بستر بیماری بود که بارها شنیدیم سعید به او شلیک کرده‌است. حاضرم قسم بخورم او قاتل پسرم است. به همین دلیل برایش قصاص می‌خواهم.»

سپس سعید که با قراقر وثیقه آزاد بود در جایگاه قرار گرفت و بانکار جرمش گفت: «آن روز اسلحه نداشتم. پیام بود که دو تیر هوایی شلیک کرد که یکی از آن تیرها به گردن مقتول خورد. نمی‌دانم چرا من به عنوان قاتل معرفی شدم.»

خواستگار کینه‌جو که برای رسیدن به دختر مورد علاقه‌اش خودرو و موتور رقیب عشقتی‌اش را در شرق تهران به آتش کشیده‌بود، بازداشت شد.

اسفندسال گذشته مأموران کلانتری ۱۱۰ شهدا از حادثه آتش‌سوزی در پارکینگ یک ساختمان مسکونی با خبر و در محل حاضر شدند. همزمان با حضور پلیس، آتش‌نشانان مشغول اطفای حریق بودند. ساکنان ساختمان هم که میان دود و آتش گرفتار شده بودند از در ساختمان راهی برای فرار نداشتند برای همین همگی به پشت‌بام پناه برده بودند. آتش‌نشانان بعد از ایزین کردن محل موفق شدند آتش را مهار کنند. بررسی‌های بعدی حکایت از این داشت که کانون آتش یک خودروی جک و یک موتورسیکلت که در آتش سوخته بودند. بررسی‌های کارشناسان سازمان آتش‌نشانی بعد از تحقیقات لازم نشان داد که حادثه آتش‌سوزی به صورت عمدی ایجاد شده است به طوری که یک نفر با پاشیدن بنزین روی خودرو و موتورسیکلت اقدام به آتش‌سوزی کرده است. بعد از آن بود که پرونده با موضوع آتش‌سوزی عمدی تشکیل شد و به دستور باز پرس شعبه نهم دادسرای ناحیه ۱۴ تیمی از کارآگاهان اداره شازندهم پلیس آگاهی تهران مأمور رسیدگی به پرونده شدند. در اولین گام مجتبی، صاحب خودروی جک و موتورسیکلت که مردی جوان بود مورد تحقیق قرار گرفت، اما او گفت که با کسی اختلاف ندارد و به هیچ کس هم مظنون نیست.

در شاخه دیگری از تحقیقات کارآگاهان پلیس بعد از چند ماه ۱۴مردادماه امسال یکی از دوستان با انکار متهم، هیئت قضایی از شاهدان حادثه خواست تا به نوبت در جایگاه قرار بگیرند ابتدا صاحب قهوه‌خانه که از زندان اعزام شده بود، گفت: «سعید با برادرم اختلاف داشت. شب حادثه به قهوه‌خانه‌ام آمد و سراغ برادرم را گرفت. او فحاشی کرد به همین دلیل با هم درگیر شدیم. دارپوش هم در قهوه‌خانه بود که وارد درگیری شد. آنجا بود که سعید یک تیر به سقف بعد یک تیر به گردن مقتول زد. سپس همراه پیام او را از مغازه بیرون بردند و فرار کردند.»

در ادامه دیگر شاهد نیز گفت: «مغازه مشاوره املاکی دارم که نزدیکی آن قهوه‌خانه است. حین حادثه در مغازه نبودم، اما وقتی برگشتم اهل محل گفتند که تیراندازی شده است. عدای سعید را عامل شلیک مرد معرفی کردند، اما بیشتر به مردم پیام را دیده بودند که به مقتول شلیک کرده است و سعید به خاطر جاقی نتوانسته است از محل بگریزد.» بعد از گواهی شاهدان هیئت قضایی وارد شور شد.

با انکار متهم، هیئت قضایی از شاهدان حادثه خواست تا به نوبت در جایگاه قرار بگیرند ابتدا صاحب قهوه‌خانه که از زندان اعزام شده بود، گفت: «سعید با برادرم اختلاف داشت. شب حادثه به قهوه‌خانه‌ام آمد و سراغ برادرم را گرفت. او فحاشی کرد به همین دلیل با هم درگیر شدیم. دارپوش هم در قهوه‌خانه بود که وارد درگیری شد. آنجا بود که سعید یک تیر به سقف بعد یک تیر به گردن مقتول زد. سپس همراه پیام او را از مغازه بیرون بردند و فرار کردند.»

در ادامه دیگر شاهد نیز گفت: «مغازه مشاوره املاکی دارم که نزدیکی آن قهوه‌خانه است. حین حادثه در مغازه نبودم، اما وقتی برگشتم اهل محل گفتند که تیراندازی شده است. عدای سعید را عامل شلیک مرد معرفی کردند، اما بیشتر به مردم پیام را دیده بودند که به مقتول شلیک کرده است و سعید به خاطر جاقی نتوانسته است از محل بگریزد.» بعد از گواهی شاهدان هیئت قضایی وارد شور شد.

حجوات

سرویس حوادث ۸۸۹۸۴۳۵



اعتراف خواستگار کینه‌جو به آتش افروزی

شاکي را که مردی ۳۵ساله به نام مسعود بود به عنوان مظنون بازداشت کردند. مجتبی اما وقتی با مظنون پرونده مواجهه حضوری شد، گفت که به دوستش مظنون نیست و احتمال هم نمی‌دهد که آتش‌افروزی کار او باشد. مسعود اما وقتی مورد تحقیق قرار گرفت به آتش‌افروزی اعتراف کرد و ماجرا را این طور شرح داد. او گفت: من از مدتی قبل به دختری علاقه پیدا کردم و قصد داشتم با او ازدواج کنم. از طرفی فکر می‌کردم که مجتبی هم به او علاقه دارد. مجتبی وضعیت مالی خوبی داشت و می‌توانست در این رقابت عشقی به آن دختر برسد، اما من چنین موقعیتی نداشتم برای همین تصمیم گرفتم به موقعیت مجتبی آسیب بزنم تا نتواند به آن دختر برسد. مطابق نقشه‌ای که کشیده بودم ساعت‌سه بامداد روز حادثه از در پارکینگ ساختمان‌شان بالا رفتم و خودم را به پارکینگ رساندم. مقداری بنزین که از قبل تهیه کرده بودم روی خودرو و موتورش ریختم و کبریت را کشیدم و از محل فرار کردم.

متهم ادامه داد: چند روز بعد از حادثه در خانه‌مان حرف آتش‌سوزی شد. آنجا بود که شنیدم مجتبی قصد داشته آن روز به خواستگاری دختر یکی از بستگانش در شهرستان برود که به خاطر وقوع حادثه منصرف شده بود. آنجا بود که من متوجه اشتباهم شدم، اما کار از کار گذشته بود. سرهنگ کارآگاه علی ولیپور گودرزی، معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: با توجه به اعتراف متهم به ارتکاب جرم قرار قانونی از سوی باز پرس پرونده صادر و متهم برای سیر مراحل قضایی روانه زندان شد.

